

دکتر علی شریف

وکیل پایه یک دادگستری

تجاوز با پوشش صدور دموکراسی

معنی و مفهوم تجاوز:

بحث تجاوز ایالات متحده به کشور عراق صرف‌نظر از جنبه سیاسی واجد جنبه حقوقی نیز هست. تجاوز از لحاظ لغوی و در ارتباط با فرهنگ لغت به معنای فراتر گذاشتن و یا از حد درگذشتن است و از لحاظ حقوقی و از دید قانونگذار یعنی دست‌درازی به حق دیگران و نیز گذشتن از حد و مرز خویش و ورود به حریم دیگران با اعمال خشونت و زور است که در این صورت تجاوز به عنف تلقی می‌شود. عنف به معنای زور و جبر و قساوت و درشتی است.

لازم به ذکر است که هر فعل یا عملی که فردی یا دسته‌ای یا گروهی یا دولتی بدون رضایت طرف علیه او اعمال کند مشمول عنف و یا از مصادیق عنف خواهد بود. در مثل اگر کسی وارد منزل یا ملک غیر شود و قبل از ورود از مالک یا صاحبخانه کسب اجازه نکرده باشد عمل این فرد ورود به عنف به ملک غیر خواهد بود و اگر در غیاب مالک به ملک او یا به حریم او تجاوز کند این اقدام او تجاوز به عنف خواهد بود. موتورسوار و یا راننده‌ای که کالا یا کیف یا ساک عابر و یا مسافر را جبراً از او جدا کرده و فرار می‌کند مرتکب اخذ مال به عنف شده و عملش قابل مجازات خواهد بود.

با این ترتیب هر یک از این اعمال و پدیده‌های ذکر شده که بدون رضایت طرف و به عبارتی به عنف انجام شود جرم است و قابل مجازات.

تجاوز دسته‌جمعی یا گروهی از دید سازمان‌های بین‌المللی

بدیهی است چنانچه شخصیت‌های حقوقی و گروه‌ها و دستجات یا دولت‌ها هم بدون رعایت مقررات بین‌المللی و به اصطلاح بطور خودکامه و خودسرانه به کشور دیگری حمله یا تجاوز کنند چنین حمله یا تجاوزی، تجاوز به عنف بوده و رویدادی نابخشودنی به شمار می‌رود.

نظیر این مورد، حمله بی‌رحمانه و خشونت‌بار و به عبارتی تجاوز به عنف ایالات متحده (آمریکا) نسبت به کشور عراق و ملت مظلوم عراق است که از سال ۲۰۰۳ شروع شده و هنوز هم ادامه دارد. گرچه امکان دارد برخی از دولتمردان حکومتی عراق (صدام و یارانش) با رفتار و اعمال غیرعقلانی منجمله تخلف از مقررات بین‌المللی موجبات عصبانیت دولتمردان آمریکا را فراهم کرده و این امر باعث تشدید و تسریع در حمله و تجاوز از ناحیه آنان شده باشد کماینکه همین صدام و یارانش به بهانه‌های پوچ و به علت غرور بیش از حد در اواخر شهریور سال ۱۳۵۹ عتفاً به ایران و به جان و مال ما حمله کرد و سبب کشت و کشتار و نابودی هزاران نفر از هموطنان ما و ایجاد خسارات مالی و اقتصادی و نظامی نسبت به سرزمین ما گردید، با این وصف این چنین رفتاری یا عکس‌العملی از ناحیه عراق نمی‌تواند تجاوز آمریکا را به آن کشور توجیه کند زیرا ملت عراق که گناهی نکرده‌اند. اگرچه ملت ایران و دولتمردان و شهروندان ایرانی هم از صدام و یارانش دل خوشی نداشته و هرگز آثار شوم آن حمله و تجاوز به عنف عراق را به ایران که منجر به جنگی هشت ساله توأم با تلفات جانی و مالی و معنوی گردید از یاد نبرده‌اند ولی یکی از دیوانگی‌های صدام این بود که در حمله و تجاوز به ایران از آمریکا استمداد می‌کرد و در واقع خود را در اختیار آمریکا و متحدانش (انگلستان) قرار داده و از کمک‌های اقتصادی و نظامی آن بهره‌مند می‌شد و در عوض موفقیت نتیجه معکوس گرفت و حال آن که بایستی از روزگار پند می‌گرفت و از دستورالعمل شاعر معروف ما سعدی که فرموده:

نمی‌ترسی ای گرک ناقص خرد که روزی پلنگیت از هم دَرَد

بهره‌مند می‌شد. بر کسی پوشیده نیست که صدام در جنگ با ایران از پشتیبانی آمریکا برخوردار بود ولی آمریکا از پشت به او خنجر زد و در سال ۲۰۰۳ به خاطر داشتن

تجهیزات اتمی و به بهانه سرکوبی تروریسم و گسترش دموکراسی به عراق لشکر کشید و سبب نارضایتی و بدبختی و بیچارگی ملت عراق گردید.

انگیزه تجاوز ایالات متحده به عراق

در زمینه انگیزه‌های مختلف و کاذبی که ایالات متحده و دولتمردانش برای این تجاوز به عنف در نظر داشته و به زعم خود آنها را قابل توجیه اعلام کرده‌اند یکی توسعه و تحکیم دموکراسی و دیگر مبارزه با تروریسم در کشور عراق و سایر کشورهای خاورمیانه است، در حالی که بیش از نیمی از اهالی و ساکنین و شهروندان ایالات متحده با این اقدام آمریکا موافق نبوده و آن را از چشم رییس جمهور یعنی بوش می‌بینند. از سوی دیگر برخی از روزنامه‌نگاران و نویسندگان جرأید و تحلیل‌گران سیاسی از یکدیگر می‌پرسند: «آیا این عمل بوش توجیه‌پذیر است؟» حال برای توجیه یا عدم توجیه این تجاوز و لشکرکشی آمریکا به خاک عراق باید دید انگیزه این عمل خشونت‌بار چیست و از کجا ناشی می‌شود، همان‌گونه که در ارتکاب جرم تجاوز اعم از فردی یا گروهی در هر کشوری انگیزه‌ای وجود دارد و برای نمونه چند مورد از آن را در مقدمه برای مثال ذکر کردیم. به نظر ما عمل خشونت‌بار آمریکا (بوش) علیه صدام و حاکمان حکومت وقت عراق ظاهراً عدم رعایت مقررات بین‌المللی در رابطه با گردآوری ذخایر جنگی و انرژی هسته‌ای به منظور تهیه بمب اتمی و از این قبیل بوده است، اما در دنباله این تجاوز همین که آمریکا با درگیری‌های بی‌شمار و متنوعی از ناحیه ملت عراق و شبه‌نظامیان مواجه شده و تظاهرات برخی کشورها و اعتراضات گروه‌ها و احزاب و دستجات مختلفی را در رسانه‌ها به ویژه تلویزیون مشاهده کرده، انگیزه این برنامه‌ها را بسط و توسعه دموکراسی و جلوگیری از حملات تروریست‌ها اعلام کرد.

نظرات رسانه‌های غربی و تحلیل‌گران سیاسی در زمینه علل تجاوز آمریکا

رسانه‌های غربی و تحلیل‌گران سیاسی از ابتدای شروع حمله آمریکا به کشور عراق به طور مرتب در حال بحث و گفتگو بوده و اغلب بر این عقیده‌اند که علل و عوامل درگیری آمریکا در خاورمیانه را باید در وجود منابع نفتی و سخت‌افزارهای جنگی

جستجو کرد. این تجربه را آمریکا از پایان جنگ دوم جهانی به دست آورده بود. همه ما به خاطر داریم که در جنگ دوم جهانی آمریکا آخرین کشوری بود که به متفقین (انگلستان، فرانسه و روسیه) پیوست و از همان زمان یعنی از سال ۱۹۴۵ میلادی که بیش از نیم قرن سپری شده، ضمن شکست دادن متحدین (آلمان، ایتالیا و ژاپن) به منابع انرژی خاورمیانه بیشترین توجه را پیدا کرده است.

وابستگی آمریکا به منابع انرژی خاورمیانه

در بین تحلیل‌گران سیاسی نوآم جامسکی Noam Chomsky استاد دانشگاه آمریکا و مؤلف کتاب هژمونی* می‌گوید:

سیاست آمریکا در مورد امور جاری خاورمیانه بدون در نظر گرفتن اصل شناسایی منابع انرژی نمی‌تواند مورد تفهیم واقع شود و اضافه می‌کند: کمالینکه منابع انرژی عربستان سعودی را منبع عظیم قدرت استراتژیک توصیف کرده و منطقه خلیج فارس را غنی‌ترین منطقه اقتصادی در حیطه سرمایه‌گذاری خارجی محسوب کرده است.

همین گفتار را یکی از رؤسای جمهوری آمریکا (آیزنهاور) در سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۰ تأیید و آن منطقه را مهمترین منطقه استراتژی جهان اعلام کرده است.

ژولبرت آچکار Guilbert Achcar استاد دانشگاه ایالات متحده، یک دانشمند محقق است در ضمن آثار خود اشاره می‌کند: آمریکا در استراتژی بزرگ و پروژه جهانی و سیاست درهای باز نفت نقش تعیین‌کننده بازی می‌کند.

جورج بوش مثل پدرش که جنگ اول خلیج فارس را علیه عراق در سال‌های ۹۱-۱۹۹۰ میلادی پیاده کرد به طور کامل به فراملی‌های نفتی وابسته است و بدون تردید مسأله نفت یک نقش کلیدی در برنامه‌ریزی سیاست خارجی آمریکا در نیم قرن گذشته بازی کرده و هنوز هم ادامه دارد.

مسئله جنگ سرد و برخورد آمریکا با رقبا و بعضی کشورهای تندرو و معتدل

جنگ سرد و برخوردها و درگیری‌های آمریکا با رقبا و چالش‌گرایانش مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق (روسیه فعلی) و دولت‌های سوسیال دموکرات اروپای شرقی، از پایان جنگ دوم به بعد، انگیزه و عامل دیگری است که آمریکا خود را کنترل‌کننده بلامنازع منابع نفتی در ارتباط با سیاست خود در خاورمیانه تلقی می‌کند. از سوی دیگر واژه ثبات منطقه‌ای برای هیأت حاکمه آمریکا به معنی این است که خاورمیانه باید برای سطره آمریکا قابل دسترسی باشد. ملاحظه می‌کنید این گفتمان‌ها و نوشته‌ها نظرات و عقاید محققینی است که تابعیت آمریکا را دارند و شهروند آمریکا هستند.

به نظر هیأت حاکمه آمریکا در این رابطه، کشورهای خاورمیانه وظیفه دارند این دسترسی را برای آمریکا مقدور و میسر سازند. اگر بعضی از آنها ثبات منطقه‌ای را به مخاطره انداخته و احياناً تمایلات استقلال طلبانه مردم خود را بیان می‌کردند، آمریکا بلافاصله به بهانه استقرار ثبات و جلوگیری از نفوذ کمونیسم، آن دولت را سرنگون می‌کرد و یا مطیع خود می‌ساخت. برای نمونه، آمریکا کودتای خونین و خشونت باری را در ایران در سال ۱۹۵۳ میلادی (۲۸ مرداد ۱۳۳۲) به منظور اعاده سلطنت به شاه ایران پایه‌گذاری کرد و نتیجه‌اش این بود که از آن موقع تا بهمن ۱۹۷۹ شاه را که به او لقب ژاندارم منطقه داده بود در انقیاد خود داشت. همینطور در افغانستان که به بهانه جلوگیری از نفوذ کمونیسم شوروی، گروه‌های طالبان و القاعده را در آنجا مستقر کرد.

منظور آمریکا از کشورهای معتدل، کشور میانه‌رو و سربزیری مثل اسرائیل است که چون متحد غرب بود تدریجاً آمریکا از وی استقبال کرد و سبب شد که برای گسترش و حفظ منافع آمریکا در خاورمیانه در صحنه سیاسی و نظامی نقش کلیدی بازی کند. از زمان روی کار آمدن آیزنهاور که مقارن با افول قدرت دولت‌های فرانسه و انگلستان بود هیأت حاکمه آمریکا، دولت اسرائیل را متحد قابل اعتماد خود در خاورمیانه انتخاب کرده و او را وادار کرد که با تجاوز نظامی به مصر و جنگ ۹ روزه ژوئن ۱۹۶۷، به نفع آمریکا، دولت جمال عبدالناصر را تضعیف یا سرنگون سازد و اگرچه در این اقدام چندان توفیقاتی به دست نیاوردند ولی نیروهای اسرائیلی توانستند کلیه نواحی غربی منجمله شهر تاریخی اورشلیم را از کشور اردن و نوار غزه و شبه جزیره سینا را از کشور

مصر و ارتفاعات جولان را به تصرف خود در آورند و از آن تاریخ به بعد اسرائیل به متحد استراتژیکی و به عبارتی به عنوان محافظ منافع دولت آمریکا در خاورمیانه تبدیل گردید. بویژه در زمان حکومت ریچارد نیکسون، در جهت تأمین ثبات و داشتن دسترسی بی قید و شرط به نفت خاورمیانه، موقعیت اسرائیل مستحکم شد و با سیاست خارجی آمریکا که هدفش بقا و برتری نفت در خاورمیانه بود گره تاریخی خورد.

تجاوز آمریکا از دید رسانه‌های شرق

اکنون که از تاریخچه تجاوزات و درگیری‌های آمریکا با جهان غرب فارغ شدیم برگردیم به دنباله بحث پیرامون تجاوز به عنف آمریکا به کشور عراق. به نظر نگارنده و به نقل از رسانه‌های شرقی، حمله آمریکا به عراق نه تنها ارتش عراق بلکه سازمان‌های دولتی و نهادهای اقتصادی رو به زوال این کشور را بکلی نابود کرده و خواهد کرد.

با نگاهی کوتاه مشخص می‌شود، خاورمیانه دستخوش بیشترین نارضایتی‌ها و ناامنی‌ها بوده و هزاران انسان بی‌گناه در عراق و فلسطین و لبنان و افغانستان جان خود را از دست داده و می‌دهند و شاید بتوان ایران را هم در زمره همین کشورها تلقی کرد. بدیهی است همه این تلفات و خسارات به آمریکا متوجه است. از طرفی همان گونه که قبلاً اشاره کردیم گرچه رییس جمهور سابق عراق فرد متجاوز و خشن بود و او بود که جنگ تجاوزکارانه و خشونت‌بار را به مانند یک دیو عنان گسیخته علیه ایران به راه انداخت و عکس‌العمل ایران فقط دفاع مقدس بود و کمتر کشوری به یاری ایران شتافت و حتی هیچ یک تظاهراتی یا اعتراضاتی علیه عراق و به نفع ایران نکردند ولی به یاری خدا و با نظر سازمان ملل ایران پیروز شد و صدام مقصر شناخته شد اما ملت عراق داشت کم‌کم خاطره‌های دردناک جنگ خودش را با ایران به فراموشی می‌سپرد که مجدداً درگیر جنگ با آمریکا شد.

نظری به وقایع و حوادث بعد از تجاوز آمریکا به عراق

در واقع این آمریکاست که به خاک عراق تجاوز کرده و مردم و ساکنین کشور عراق را

در هول و هراس نگه داشته به نحوی که آب خوش از گلویشان پایین نمی‌رود و احساس امنیت نمی‌کنند و به عبارت دیگر تأمین ندارند و اکثر آنها به سوی کشورهای خاورمیانه و یا اروپا رهسپار شده و پناهنده می‌شوند. آنهایی هم که مال و ثروتی دارند به عنوان مهاجر درخواست مهاجرت و اقامت در استرالیا و آمریکا و کانادا کرده و همواره یعنی از ابتدای جنگ تاکنون برای خروج از کشور (عراق) در تلاش هستند. با این ترتیب ملاحظه می‌شود که آمریکا به واسطه ادامه خشونت در این چند سال در عراق به بن‌بست رسیده است. به سخنی دیگر آنچه که مردم آمریکا به آن پی برده‌اند این است که حمله به عراق و تجاوز به این کشور اشتباه بزرگی بوده به طوری که در این برهه از زمان هزاران جوان عراقی بیکار شده و هزاران نفر با فقر و ناامیدی و ناکامی درگیر هستند. وضع خاورمیانه به علت حمله آمریکا به عراق برای همیشه تغییر کرده است. آمریکا ادعا می‌کرد که در خاورمیانه یک کشور باثبات و دموکراتیک به نام عراق به وجود خواهد آورد و در نتیجه تغییرات دیگری در سایر کشورهای خاورمیانه و حتی عربستان ایجاد می‌کند، ولی وقایع و حوادث نظامی از سال ۲۰۰۳ تاکنون نشان داده که هیچ یک از این برنامه‌ها به مرحله اجرا درنیامده بلکه سایر کشورهای همجوار با عراق، دچا تشنج و درگیری‌های نظامی با شبه‌نظامیان و تروریست‌های از خدا بی‌خبر شده و دامنه این هرج و مرج و ناامنی توأم با تورم و فقر و بیکاری و فرار مغزها افزایش یافته است.

پیدایش ترور و مسأله تروریسم

در زمینه پیدایش تروریسم و حمله تروریست‌ها، رئیس‌جمهور آمریکا آن را بلایی تجاوزکارانه از ناحیه خاورمیانه تلقی می‌کند در حالی که به عقیده بعضی از تحلیل‌گران سیاسی ترور در کالبد تمدن بشری و فردی مانند (بوش) لانه کرده است. بیشتر ائتلاف قدرت‌های بزرگ موجود در جهان امروزی برای تشدید ترور و تروریزه کردن روح و جان دیگران صورت می‌گیرد. صاحبان قدرت مانند آمریکا که به ظاهر هدفشان توسعه دموکراسی است، صفحات ننگینی از تاریخ بشر را پر کرده‌اند، اینان میراث مدنیت انسانی را خدشه‌دار کرده در واقع تروریسم را ترویج کرده و می‌کنند. این چنین تروریسم که بعضی آن را تروریسم عنان گسیخته نامیده‌اند جامعه و محیط زیست را به نابودی

کشانده است. به قول یکی از صاحب نظران، بی رحم ترین انسانها شاخص قدرت شناخته می شوند. جان آدمیزاد در تنور گرم ترور از ارزش افتاده است. در زمینه جو ترور زمانی بود که چنانچه فاشیسم فرانکویی جان بی گناهی را می گرفت اعتراض جهانی شکل می گرفت، اما اکنون جو ترور وحشت و ترس فراگیر شده و این هیولا در هر جایی حتی در مدارس و کلاس های درس رخنه کرده و موجب تلفات بی شماری گردیده است. چندی قبل همانطوری که در رسانه های غربی مشاهده کردیم یک نمونه آن در دانشگاه ویرجینیای آمریکا اتفاق افتاد و سبب کشتار ۳۲ نفر از دانشجویان فرهیخته و بی گناه آن دانشگاه شد.

پدیده خشونت به جای صلح و آشتی

به قول یکی از محققین خوش قلم و خوش فکر، پرنده صلح گریزان شده و منادیان صلح و آشتی از قبیل ماندلاها، گاندی ها، ماری ترزاها و سایر راهیان صلح در این فضای آغشته به ترور صدایشان خاموش است. لازم به ذکر است که اغلب رسانه ها و قدرتمندترین سازمانها و بنگاه های خبری در اختیار و در انحصار پوشش خبری کشتار و جنگ عراق و کشتار در عراق است همچنین فعال ترین بخش عملیاتی در جهان، نقل و انتقال مهمات و سخت افزارهای نظامی و جنگی است.

به نقل از اینترنت و به گفته یک تحلیل گر سیاسی، مردم جهان از مسافران هواپیما گرفته تا کشاورزان می سی سی پی و قربانیان طوفان کاترینا و مادران فلسطینی مشامشان از چاشنی ترور زهر آلود شده و برای حقانیت دادن به ترور و قانونی کردن تروریسم، اقداماتی که تا دیروز خلاف حقوق بشر بوده و مذموم و محکوم شمرده می شد اینک به بهانه مبارزه با تروریسم شکل قانونی به خود گرفته است. به عبارت دیگر، تروریسم دامنه خود را طوری گسترده که اغلب شنیع ترین رفتارها را با اسیران مظنون به ترور انجام می دهند. در حالی که اکثریت مردم جهان مخالف جنگ و خشونت بوده و نگران آینده تمدن بشری هستند. عراق جولانگاه تانکها و سربازان آمریکایی و غیر آمریکایی و شبه نظامیان تروریست شده است.

گرچه ملت تاریخی بیست و چند میلیونی عراق اصولاً حضور تاریخی خود را از

دست نداده است با این وصف تاکنون میلیون‌ها نفر از اهالی و ساکنین عراق به کشورهای همسایه و همجوار مهاجرت کرده و برخی از آنها به عنوان پناهنده دور از وطن، زندگی سخت و دشواری را طی می‌کنند.

در این کشور و در این منطقه زرخیز اگر همه امور زندگانی و کار و اقتصاد و مدرسه و دانشگاه تعطیل باشد، جریان نفت ادامه دارد.

تنها نگرانی اشغالگران نه از نابودی یک ملت بلکه از توقف حرکت این طلای سیاه است. در واقع هستی و نیستی ملت عراق به تاراج رفته است. روزنامه‌ها و نویسندگان هم خیلی کمتر از زبان مردم عراق صحبت می‌کنند. معلوم نیست وجدان و آگاهی بشری کجا رفته است. که نمی‌پرسند چرا بعد از گذشت چندین سال با هدف پیاده کردن صلح و تأمین عدالت و آزادی، با وجود تسلط مردم عراق بر ذخایر نفتی خودشان و کوتاه کردن دست دیکتاتوری مثل صدام، آمریکا به بهانه گسترش دموکراسی عراق را اشغال کرده است. مردم عراق در هراس از فضای ترور خانه‌های خود را ترک می‌کنند و از شهرها می‌گریزند، در حالی که راهیان به ظاهر صلح‌نما و پیام‌آوران سازندگی، خود ترورآفرین شده‌اند.

نمونه‌ای از ترویج خشونت (تهاجم اسرائیل به خاک لبنان)

در ارتباط با تهاجم اسرائیل به خاک لبنان وقتی بازار مبادلات مهمات و کشتار گرم شد و ترور روح و روان مردم را فراگرفت، این مردم لبنان و اسرائیل بودند که از خانه و کاشانه خود منهزم شدند. اکثر اقدامات اشغالگران و به ویژه آمریکاییان تحت نام مبارزه با تروریسم ظاهراً، قابل توجیه است در حالی که در روی زمین این مردم بی‌دفاع هستند که هر روز ترور می‌شوند و یا در وحشت ترور بسر می‌برند. مهمتر از همه سانسور نظامی اجازه نمی‌دهد که سیمای واقعی مردم برملا شود و صدای آنان شنیده شود، مثل اینکه زبان مردم عراق در زیر تانک‌های اشغالگران له شده است.

آیا از زمان اشغال عراق کسی چهره ملت عراق را دیده و یا صدای مردم را از رسانه‌ها (صدا و سیما) شنیده؟ پاسخ منفی است، افکار مردم و امید و آرزوهای یک ملت از صحنه گزارشات اشغالگران حذف شده است. تنها اطلاعات دستکاری شده و نیز

مقالات دستوری و فرمایشی خریداری شده با مضامین مورد علاقه نظامیان به زیور چاپ آراسته می‌شود. از برکات جنگ و اشغال نظامی است که صدا و سیمای ملت و مردم نموداری ندارند.

نظریه حقوقدان‌های مخالف جنگ

حقوقدان‌های مخالف جنگ که به آنها Lawyers against war می‌گویند سخن از تراژدی حاصل از جنگ و خشونت در عراق و لبنان و فلسطین و خاورمیانه گفته و براساس مطالعات خود معتقدند که پایه‌های خشونت، از تداوم اشغالگران و تجاوز آنها پی ریزی می‌شود. اشغالگری و تجاوز به عنف توسط آمریکا نسبت به عراق، در طی سالیان متمادی بارور کننده موج خشونت و کشتار شده است. برای مثال مردم فلسطین در برابر چشم جهانیان قربانیان این اشغالگری و خشونت هستند کودکان و زنان بیشتر از همه، این فاجعه را احساس می‌کنند.

«پل داویدسن» معاون سازمان وکلای مخالف جنگ بر این باور است که آمریکا و در رأس آن سه عنصر محوری شرارت و خشونت (بوش - دیک چنی - رامسفلد) باید به هر طریقی به علت مشارکت مستقیم در برابر این جنایات مؤاخذه شوند. به گفته این محقق و به نظر پاره‌ای از حقوقدان‌ها اینان، به مقیاس وسیعی و به جدی‌ترین شیوه‌ای مرتکب جنایات بین‌المللی شده‌اند.

پل داویدسن صراحتاً ادامه می‌دهد که: «چرا اعضای سازمان ملل متحد و از جمله کانادا نباید نسبت به مجازات این اشخاص اقدام مقتضی نموده و از این طریق از صحت و امنیت سیستم‌های حقوقی خود دفاع کنند.»

در دسامبر ۲۰۰۴ یک دادگاه شهروندی متشکل از قضات کره‌ای، ژاپنی و اندونزی به این نتیجه رسیده‌اند که تونی بلر نخست وزیر بریتانیا و نخست وزیر ژاپن و رییس دولت فیلیپین، شرکای جرم هستند. این دادرسی در مورد جرج بوش به این نتیجه رسید که رییس جمهور آمریکا به سبب اعلان جنگ علیه کشور عراق و لشکرکشی خودسرانه و تجاوز به افغانستان مرتکب استفاده از سلاح‌هایی شده که از لحاظ حقوقی مجاز نبوده است زیرا دستور داده تا از بمب‌های آغشته به اورانیوم و از بمب‌های خوشه‌ای و

Saisy cutters و مین‌های ضدفردی استفاده شود. پل داویدسن به نقل از مقاله دکتر کریس بایبی Dr.Cress Baby منعکس در بولتن انرژی هسته‌ای چنین نتیجه می‌گیرد که از محل اورانیوم اشباع شده در زمینه ریسک تشعشعات، در سال‌های آتی، هزاران کودک جان خود را از دست خواهند داد.

نظریه وکلا و حقوق‌دان‌های عراق

وکلاهی مستقل عراقی با تهیه سندی در سایت www.islamonline.net در مورد قتل‌های فلوجه نوشته‌اند که حمله آمریکا به شهر فلوجه، نقض آشکار اعلامیه جهانی حقوق بشر و نقض مفاد کنوانسیون ژنو است که در آن کشتن زخمی‌ها و مجروحین و اسرا و شهروندان تحریم شده است. هنوز کسی از جزئیات شکنجه‌ها و نحوه بازجویی‌های اسرای عراقی در ابوقریب اطلاع کافی ندارد. دادگاه نورنبرگ هم که رهبران نازی‌ها را تحت پیگرد قرار داد، هر نوع جنگ تجاوزگرایانه را به عنوان جنایت بزرگ بین‌المللی تلقی کرده که دربرگیرنده انواع شرارت‌های جنگی است.

یکی دیگر از معاونین سازمان حقوقی و وکلای مخالف جنک به نام ماندل، در کتاب خویش اشاره می‌کند: آمریکا چگونه در برابر این جنایات پاسخگو خواهد بود، هر مرگی جنایتی است که برای آن رهبران کشور متجاوز و اشغالگر به طور شخصی و وجدانی مسؤولند.

بدیهی است تجاوز به عنف آمریکا به عراق، دامنه خشونت را گسترش داده و نسل‌های آینده عراق را در معرض انواع و اقسام نابسامانی‌های روانی و معیشتی قرار داده است. خشونت در عراق میوه محصولی است که بوش و بلر کاشته‌اند. تفنگداران آمریکایی و آن دسته از نظامیانی که در ادامه تجاوز، نقشه‌های آمریکا را درک کرده‌اند اینک به سخن درآمده و ضمن اعراض از شرکت در جنگ، وجدان خود را با بیان حقایق ناگفته پالایش می‌دهند تا بلکه زخم‌های جنگ تجاوزکارانه نسبت به مردم بی‌گناه در درونشان التیام یابد.

پاتریس تاوسند Parrice Tawsand استاد دانشگاه میشیگان بر این عقیده است که:

آمریکا کل خاک عراق را به گروگان گرفته است و شرکت‌ها و کمپانی‌های چندملیتی بازار عراق را جولانگاه سودخواری کرده‌اند. ایجاد شکاف بین مردم مسلمان و راه‌انداختن جنگ سنی و شیعه و کرد نیز از دیگر شگردهای آمریکاییان است. سربازانی که از جبهه‌ها فرار کرده‌اند در سخنان و در نوشته‌های خویش به روشنی از این سیاست تفرقه‌افکن سخن می‌گویند. این تفرقه‌افکنی‌ها سبب شده که آمریکا این مایه حیاتی یعنی نفت عراق را به تاراج ببرد. به سخنی دیگر رژیم جنایتکار واشنگتن در عراق مرتکب تجاوز به عنف شده است.

از نظر نگارنده و راقم این سطور، تجاوز به عراق از ناحیه آمریکا در سال ۲۰۰۳ به مردمی که زیر سایه دیکتاتور بغداد در شرف نابودی بودند، نتوانست آنها را به زندگی بهتر و آینده درخشان‌تر نزدیک کند و نیز با داشتن حق تعیین سرنوشت ممکن نشد به طور آزادانه آنها را به داشتن بهداشت سالم و آب و برق و گاز لازم و تسلط بر منابع نفتی خود و بالاخره به دموکراسی امیدوار سازد. بلکه حضور اشغال‌گرایانه آمریکا در عراق بر دامنه خشونت‌ها که در رگ و پوست مردم عراق تزریق شده بود رو به افزایش گردید. گفته می‌شود و می‌شنیدیم که جورج بوش اقسام شکنجه‌هایی را که معاونش (دیگ چینی) در زندان‌های ابوقریب و گوانتانامو و افغانستان اعمال می‌کرد نادیده گرفته است معروف است که سازمان نگهبان حقوق بشر، کمیته ویژه‌ای را معین کرده تا این روش شکنجه را بررسی کنند و عاملان آن را به عنوان جنایتکاران جنگی معرفی کنند.

دامنه این خشونت‌ها طوری است که دامن متجاوز (آمریکا) را فراگرفته است. توجه داشته باشید که کل اقتصاد آمریکا را جنگ عراق فعال کرده است. شایعاتی است که شرکت بویینگ بزرگترین صادرکننده آمریکا، اکنون به برکت جنگ فراگیر، دومین طرف قرارداد با پنتاگون است. سودهای حاصله از فروش محصولات نظامی بویینگ به میزان نجومی سالانه ۵ بلیون دلار رسیده است.

به نوشته روزنامه گاردین Gardien و به گفته کلنل ویلکسنس افسر سابق ارتش آمریکا: «کاخ سفید اطلاعات موجود امنیتی را در رابطه با عراق دستکاری کرده تا آنها از عوامل توجیه‌کننده تجاوز به عراق تلقی شود.»

قضایوت تاریخ

تاریخ چه می‌گوید: تاریخ آخر و عاقبت همه چیز را روشن خواهد کرد. میلیون‌ها انسان، هواداران محیط زیست یا دوستداران زمین و سیارات و ماه و خورشید و نیز صلح‌دوستان جهان و فرهیختگان آگاه در سال ۲۰۰۳، ضمن هشدار به جنگ‌افروزان، از عواقب آن نیز هشدار دادند، کارشناسی تاریخی کردند، نگرشی به جنگ ویتنام و پیامدهای آن داشتند که در آن هزاران سرباز سیاه‌پوست در قالب ارتش آمریکا به ویتنام اعزام گردید و هرگز خاک وطن را ندیدند. کارشناسان و تحلیل‌گرایان سیاسی، حمله آمریکا به عراق را جنگ نژادپرستانه علیه اعراب و مسلمانان تلقی می‌کردند که ضمناً خصلت سلطه اقتصادی داشته و نیز سندی را تهیه کردند که صدها سازمان غیردولتی آن را پشت نویسی کردند. قسمت‌هایی از این سند گویای حقانیت مردمی است که آمال و آرزوهای صلح‌جویانه خود را به جنگ‌افروزان حریص بیان داشته‌اند و اکنون این جنگ و لشکرکشی به طور مستقیم تجاوز و استثمار جنسی از کودکان است، و در کل خشونت علیه نوباوگان، دختران و زنان را افزایش می‌دهد و در نتیجه سبب بهره‌کشی از کار کودکان می‌گردد. البته زنان را نمی‌توان قربانیان جنبی جنگ قلمداد کرد بلکه زنان قربانیان مستقیم جنگند که همراه با همسران و فرزندان بزرگترین آمار پناهندگان و جمعیت آواره شده و بریده از خانه و کاشانه و خانواده خود را تشکیل می‌دهند بالاخره حقانیت این داوری برای مردم به اثبات خواهد رسید. این مردم کوچه و بازار عراق و مناطق جنگی هستند که قربانیان این فاجعه‌اند.

تحلیل روزنامه‌نگاران و مطبوعات آمریکایی

هال ترنر Hall Turner روزنامه‌نگار آمریکایی را اغلب می‌شناسند. او با جمع‌آوری اسناد و مدارک، تاریخ را ورق می‌زند تحقیق می‌کند، تعمیق می‌کند و با مردم مرتبط می‌شود و دیده‌هایش را به صورت مستند در اختیار مردم جهان و وجدان‌های بیدار قرار می‌دهد. ترنر یک روزنامه‌نگار آمریکایی است. مسأله خشونت را در متن کار خویش قرار داده و بر آن است که ریشه‌های آن را بکاود و بررسی کند. او اعراب و اسرائیل را در برابر هم قرار نمی‌دهد بلکه به چگونگی شکل‌گیری خشونت و تجاوز در منطقه

پرتوافکنی می‌کند. او از سال ۱۹۴۵ موضوع خشونت علیه مردم فلسطین و اعراب را بررسی می‌کند و تصویر و روزشمار خشونت‌ها را علیه غیرنظامیان و به ویژه کودکان نمایان می‌سازد تا چهره یک‌سویه مطبوعات رسمی آمریکا را رسوا کند و افکار عمومی را از دامنه خشونت‌ها آگاه سازد. مدت‌هاست که سلاح‌های مدرن از آمریکا به اسرائیل روان است آنگاه دلارهای نفتی از غارت نفت اعراب نیز به ارتش اسرائیل تزریق می‌گردد! این روزنامه‌نگار نقل می‌کند: «سال‌هاست که ما از رژیم اسرائیل به شکل مالی و نظامی حمایت کرده‌ایم و دلیل آن اینکه خیال می‌کردیم اسرائیلیان قربانیان خشونت‌ها و دشمنی‌های همسایگان خویشند. رسانه‌های آمریکایی نیز اسرائیل را به طور فزاینده‌ای تحت پوشش خود قرار می‌دهند. چرا یک انسان به جای اینکه زندگی خود را ادامه دهد تصمیم می‌گیرد بمب انتحاری به خود بسته و خویشتن را منفجر کند. متأسفانه رسانه‌های آمریکا به ما باورده‌اند که اعراب به هیچ وجه آدم‌های منطقی و عقلانی نیستند بلکه متعصبین مذهبی هستند که از آزادی متنفرند و روش زندگی ما را دوست ندارند.

دلیل خشونت اعراب علیه اسرائیل ساده است. صرف‌نظر از اینکه اسرائیلیان به طور سیستماتیک صدها هزار عرب را مورد خشونت قرار داده‌اند اسرائیل از زمان جنگ جهانی دوم زور گرفته است و اسناد بی‌شماری در ارتباط با خشونت آنها و ویران کردن منازل مردم و صدمات و آزار شخصی آنها وجود دارد: خشونت اسرائیل علیه اعراب و بویژه کودکان عرب داستان طولانی دارد که بحث آن را به جای دیگری موکول می‌کنیم. حال ترنر معتقد است که آمریکا با برقرار کردن پل هوایی، کمک‌های تسلیحاتی به اسرائیل و تزریق دلار بر پیکر آنان در جنایات علیه بشریت مسؤولیت مستقیم دارد. او بر آن است که با انتشار تصاویری از این موضوع وجدان جهانیان را به ریشه‌های خشونت در این منطقه متوجه کند و مرتباً سؤال می‌کند آرامش این نوباوگان و زنان و مردان را چه کسی باید فراهم کند؟

در اینجا بهتر است از مبحث مربوط به سابقه دشمنی و عداوت بین اسرائیل و فلسطین دست کشیده و به ادامه بحث تجاوزات و اشغالگری آمریکا نسبت به عراق بپردازیم.

نظریه دولتمردان و نمایندگان مجلس ملی آمریکا

در زمینه حمله آمریکا به عراق و یا تجاوز به عنف، ذکر این نکته ضروری است که ژان پل نماینده لیبرال مجلس ملی آمریکا، طی مقاله‌ای سیاست بوش را زیر سؤال برده (مراجعه شود به برخی سایت‌های اینترنتی آمریکا) و چنین نوشته: «در عراق در سنوات اخیر، تلفات انسانی و قربانیان بی‌گناه، به طور کلی، ناشی از سیاست‌های تجاوزکارانه آمریکا و متحدانش رو به افزایش است» و اضافه می‌کند: «در حالی تولد عیسی مسیح سردمدار صلح را جشن می‌گیریم که در عراق جنگ بدون امید به پایان آن ادامه دارد» و با توجه به انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا نتیجه می‌گیرد که بسیاری از مردم آمریکا با جنگ موافق نیستند.

ژان پل به نقل از بوش می‌گوید: «آنها نمی‌توانند ما را از خاورمیانه بیرون کنند. ما از عراق عقب‌نشینی نمی‌کنیم و باید همزمان، شمار نیروهای خود را در عراق افزایش دهیم. نیروهای ما در عراق برای همیشه خواهند ماند ما نباید فراموش کنیم که در عراق سرگرم ساخت چندین پایگاه بزرگ دائمی و بزرگترین سفارتخانه‌های جهان در یک کشور هستیم که بتواند مرکز فرماندهی اشغال ما باشد. فقط ساخت مجتمع سفارتخانه ما در عراق بیش از یک میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. پل در ادامه سخنانش اضافه می‌کند: جای تعجب نیست که پنتاگون تقاضای ۱۵۰ میلیارد دلار دیگر کرده تا جنگ را ادامه دهد. این بودجه حتی در ارقام کسری دولت یا بودجه سالیانه منعکس نخواهد شد و به عنوان هزینه‌های خارج از بودجه مربوط می‌شود. بوش به این مورد بسنده نکرده دستور داده، ناو هواپیما بر دیگری در خلیج فارس مستقر شود تا ضمناً برای ایران هم قدرت‌نمایی کند.» این نماینده لیبرال مجلس آمریکا تصریح دارد تمام کسانی که ماه گذشته به دموکرات‌ها رأی داده‌اند تا تغییر عمده‌ای در سیاست عراق ایجاد شود سخت در اشتباه هستند. به نوشته وی سران جدید کنگره آشکارا حمایت خود را برای هماهنگی با بوش و افزایش تعداد نیرو در عراق اعلام کرده‌اند.

ژان پل اضافه می‌کند: «دموکرات‌ها قصد ندارند به دولت فشار آورند تا طرح خروج جدی از عراق را بررسی کند. آنها بودجه جنگ را تصویب می‌کنند و دموکرات‌ها همان وضع همیشگی را ادامه می‌دهند. در واشنگتن پاسخ به هر مشکلی همان جواب قبلی

است. می‌گویند اگر جنگ به پیش نمی‌رود باید آن را تشدید کرد یا حتی جنگ دیگری را شروع کرد و این تنها سیاست ما در عراق است که حتی نمی‌دانیم دشمن ما چه کسی است؟ به گفته وی از هر ۱۰ نفر آمریکایی یک نفر می‌تواند تفاوت بین سنی و شیعه و کرد را تشخیص دهد تا وقتی که سیاست بی‌معنی اشغال بدون انتها، تغییر رژیم و ملت‌سازی در خاورمیانه را تغییر ندهیم وضعیت همان است که تاکنون بوده است، مضافاً آن که تعداد بیشتری از نیروها کشته و زخمی می‌شوند، هزینه جنگ بیشتر می‌شود. قروض ملی سنگین‌تر و مالیات‌ها بیشتر و دولت نظامی‌تر خواهد شد.»

● پایان گفتار

در خاتمه با ملاحظه فشرده و رزومه سخنرانی آقای پاول استریت استاد دانشگاه آیووا آمریکا که در تاریخ اول ماه می ۲۰۰۷ به مناسبت روز کارگر در کمیته ضد جنگ ایراد کرده این مقاله را به آخر می‌رسانیم، به گفته شاعر به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقیست. روشنفکرانی در آمریکا وجود دارند که مخالف جنگ با عراق هستند مانند هیلاری کلینتون، باراک اوباما، جان ادوارد و نظایر آنها از ملت مظلوم عراق حمایت می‌کنند از آنان باید پرسید تا کجا حاضرند پیش بروند و مخالفت خود را ابراز دارند؟ آیا حاضرند تأمین بودجه‌های این کشتار جمعی و جنگ جنایتکارانه و نژادپرستانه «به خاطر نفت» را همین حالا قطع کنند؟ یا آنها از مناسب نبودن زمان جنگ صحبت می‌کنند و یا اینکه ممکن است فقد تعدادی از سربازان را پیش از انتخابات ۲۰۰۸ از عراق خارج سازند؟ این جنگ نوعی تجاوز به عنف و اشغال گستاخانه‌ای است که تاکنون حداقل ۷۰۰ هزار عراقی را به کشتن داده و تا سال ۲۰۰۸ به بیش از یک میلیون کشته خواهد رسید مضافاً اینکه ۳۵۰۰ آمریکایی و بیش از یکصد خبرنگار از کشورهای مختلف، تاکنون کشته و یا شهید شده‌اند. لایحه‌ای که آقای بوش رییس جمهور آمریکا اخیراً به کنگره تسلیم کرده نه تنها ضد جنگ نیست بلکه تأمین جنگ است. این لایحه هزاران تن از سربازان ارتش را برای یک دوره نامحدود در عراق اشغال شده، به جای می‌گذارد. پایگاه‌های عظیم نظامی آمریکا را برای دوره‌ای نامعین دست نخورده باقی می‌گذارد. ایجاد و ابقای نیروی هوایی و دریایی و به طور کلی نیروهای امپراطوری ایالت

متحده را در عراق حتمی می‌سازد و برای دوره بیشتری حفظ می‌کند تا انتقال سودهای کلان حاصل از نفت عراق به شرکت‌های نفتی آمریکا و بریتانیا تضمین گردد.

● نتیجه‌گیری

اکنون که آمریکایی‌ها به طرف انتخابات ریاست جمهوری پیش می‌روند و کسانی که مانند پاول استریت استاد دانشگاه آمریکا و حقوقدانان و تحلیل‌گران سیاسی و اعضای کمیته ضدجنگ، سنگ عراق را به سینه می‌زنند باید از موقعیت استفاده کرده و به نامزدهای انتخاباتی بگویند و هشدار دهند که ما گفتمان‌های صلح‌طلبانه شما را جدی نمی‌گیریم مگر اینکه از عدم تأمین مالی بودجه جنگ حمایت کنید و استیضاح و برکناری بوش را دنبال کنید و مهمتر از همه خروج ارتش آمریکا و متحدانش را از عراق تصویب و به مورد اجرا بگذارید، مردم عراق و خاورمیانه و سایر مردم جهان نمی‌توانند تحمل کنند که تحت حکومت اشغال‌گرایانه بوش تا ژانویه ۲۰۰۹ به زندگی ادامه دهند و ناظر چنین حملات و تجاوزات بی‌رویه باشند به امید پایان چنین پدیده و نظایر آن هستیم.

● منابع

۱. به سوی یک جنگ سرد، نگارش Noam Chamsky چاپ نیویورک در سال ۲۰۰۳ میلادی.
۲. میوه شیرین شرقی، تألیف Guilgert Achcar چاپ نیویورک سال ۲۰۰۵ میلادی.
۳. هژمونی (بقا و برتری) نگارش N-Chamasky چاپ لندن سال ۲۰۰۳ میلادی.
۴. نقش اسرائیل و منابع ملی آمریکا تألیف Rubenberg چاپ شیکاگو سال ۱۹۸۶ میلادی.
۵. نقش اسرائیل در امپراطوری آمریکا نگارش B.A.U,Manneh چاپ کانادا سال ۲۰۰۴.
۶. بهای قدرت تألیف S.M.Herah چاپ نیویورک سال ۱۹۸۳ میلادی.
۷. بعضی سایت‌های اینترنتی آمریکا.